



غوغای سیاست‌های ضدایرانی در واشنگتن

سیدحسین موسویان*

چند تحول بی‌سابقه یا کم‌سابقه در سیستم تصمیم‌گیری آمریکا رخ داده که تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم بر تصمیمات مرتبط با ایران در واشنگتن داشته و خواهد داشت: ۱- در چند دهه گذشته در هیچ دولتی به اندازه دولت فعلی آمریکا، تا این حد نظامیان عالی‌رتبه مناصب کلیدی قدرت را در دست نداشته‌اند. ژنرال متیس، ریاست پنتاگون، ژنرال مک‌مستر، ریاست شورای امنیت ملی آمریکا و جان کلی، ریاست ستاد کاخ سفید را برعهده دارند. در گذشته این سه پست کلیدی معمولاً در اختیار غیرنظامی‌ها بوده است. ژنرال الکساندر هیگ بیش از ۴۰ سال پیش در زمان نیکسون، رئیس ستاد کاخ سفید بود و بعد از آن همیشه غیرنظامی‌ها متصدی این پست بوده‌اند. جول ری‌بورن یک افسر عالی‌رتبه نظامی است که در شورای امنیت ملی آمریکا مسئولیت مهمی برعهده دارد. در دوران بعد از انقلاب همه این ژنرال‌ها در عراق، افغانستان و لبنان عهده‌دار پست‌های فرماندهی بوده که عموماً تجربیات تلخی از ایران داشته‌اند. دو، سه سال پیش در دوران اوباما، سرهنگ جول ری‌بورن منزوی و در دانشگاه براون آمریکا به کار آکادمیک مشغول بود. در آن مقطع، برای اولین بار او را در سمیناری دیدم که با احساسات خاصی تجربیات خود در عراق را برای جمع بازگو و ضدایران فضا سازی کرد. پاسخ او را دادم. بحث طرفینی در گرفت. ناگهان در حالتی که بغض گلویش را گرفته بود، گفت: آقای موسویان! شما از بحران عراق چه می‌دانید؟ من در صحنه عملیات بوده‌ام.

هم‌زمان من در جلو چشم خودم توسط عناصر مورد حمایت نیروی قدس شما کشته شده‌اند و من شاهد جان‌کندن آنها بوده‌ام و... به او گفتم برادر و سه پسرعمه من هم در جنگ عراق شهید شدند؛ جنگی که آمریکا پشت آن و حامی صدام بود. ادعای شما درباره حمایت نیروی قدس از کشته‌شدن نظامیان آمریکایی مستند نیست اما ادعای من درباره حمایت آمریکا از تجاوز به ایران مورد اعتراف خود آمریکایی‌ها و مستند است... مدیر جلسه بحث طرفینی را متوقف کرد و گفت باید بپذیریم که دشمنی آمریکا و ایران، قربانی‌های زیادی از دو طرف داشته است. اما آن سرهنگ خشمگین دیروز، امروز در شورای امنیت ملی آمریکا مسئولیت امور ایران، عراق، سوریه و لبنان را برعهده دارد و نقش او درباره سیاست‌های ایران از دیپلمات‌های وزارت خارجه آمریکا هم بیشتر است.

۲- وزارت خارجه آمریکا و دیپلمات‌های ارشد آن به‌گونه‌ای در حاشیه و انزوا قرار گرفته‌اند که بی‌سابقه است. بنابراین دیپلمات‌های مجرب، نقش و نفوذ «حداقلی» در سیستم تصمیم‌گیری فعلی آمریکا دارند.

۳- ترکیب ایوانکا، دختر ترامپ و همسرش، جرد کوشنر، در کاخ سفید و نقش کلیدی آنها در تصمیم‌گیری‌ها با تجربه صفر سیاسی و دیپلماتیک، یک پدیده بی‌سابقه‌ای است که خشم ژنرال‌های ساکن کاخ سفید و پنتاگون و نیز دستگاه دیپلماسی آمریکا را برانگیخته و موجب اصطکاک و درگیری در سیستم تصمیم‌گیری آمریکا شده است. ذکر این نکته هم مهم است که کوشنر از یک خانواده معروف صهیونیست آمریکایی است که نتانیاهو از دوران تحصیلاتش در آمریکا، روابط خانوادگی فوق‌العاده نزدیک با آنها داشته است. برای نتانیاهو، کوشنر کوتاه‌ترین، سریع‌ترین و کارآمدترین مسیر نفوذ و تأثیرگذاری بر تصمیمات کاخ سفید است. روابط ویژه کوشنر با محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی، هم از همین طریق ساماندهی شد.

۴- سه تحول اشاره شده باعث درهم‌ریختگی و سردرگمی عجیبی در روند تصمیم‌گیری‌های مهم سیاست خارجی و امنیت ملی آمریکا شده است. این وضعیت یک فرصت طلایی برای لابی‌ها به وجود آورده است. لابی تل‌آویو در واشنگتن در چند دهه گذشته همیشه نفوذ فوق‌العاده قدرتمندی در تصمیم‌گیری‌های آمریکا داشته اما نهایتاً تل‌آویو از تصمیمات واشنگتن تبعیت کرده است. اما تحولات مذکور در دوره ترامپ، موجب شده که این ورق برگردد. این نکته مهمی است که شاید پذیرش آن برای خیلی‌ها دشوار باشد.

۵- سعودی‌ها و سایر متحدان عرب آمریکا نیز از سال‌ها قبل لابی فعال و تأثیرگذاری را در واشنگتن داشته‌اند. اما در گذشته، بالانس سیاست‌های واشنگتن در روابط اعراب - تل‌آویو، هدف اصلی و تقویت

سیاست‌های ضدایرانی هدف فرعی لابی اعراب بود. با آغاز بحران هسته‌ای ایران، این دو لابی به هم نزدیک شدند. در دوره اوباما و با مشاهده چرخش در سیاست آمریکا در رابطه با ایران، لابی صهیونیست‌ها و اعراب تکفیری متحد شدند اما در تغییر سیاست اوباما درباره ایران شکست خوردند. اما در دولت ترامپ و با استفاده از فرصت به هم‌ریختگی مذکور، لابی متحد تل‌آویو - ریاض - ابوظبی تاکنون کاملاً در تحمیل خواسته‌های خود بر سیستم تصمیم‌گیری در واشنگتن علیه ایران موفق بوده و با موانع جدی هم مواجه نیستند.

دو، سه هفته پیش جمعی از مقامات ارشد سابق آمریکا از حزب دموکرات و جمهوری‌خواه بی‌سروصدا به تل‌آویو رفتند؛ افرادی که پست‌هایی همچون معاون رئیس‌جمهور، وزیر دفاع، وزیر خارجه، مشاور امنیت ملی آمریکا و سفارت را در کابینه‌های قبلی عهده‌دار بودند. این گروه جلسه بحث و گفت‌وگوی مفصلی با هم‌تایان سابق تل‌آویوی خود درباره ایران و منطقه داشته‌اند. تمام تلاش تیم آمریکایی این بوده که طرف مقابل را درباره اعمال سیاست «چماق و هویج» در مورد ایران قانع کند. اما تل‌آویونشین‌ها بر سیاست «چماق بدون هویج»، آن هم چماقی شاخدار، علیه ایران اصرار داشته و کوتاه هم نیامده‌اند. این نوع جلسات بین سیاستمداران دو طرف، بی‌سابقه نیست منتها آنچه طرف‌های آمریکایی را متحیر کرده بود، حضور ترکی الفیصل، رئیس پیشین سازمان امنیت عربستان، در جلسه تل‌آویو بوده است. تل‌آویوی‌ها او را به این منظور دعوت کرده بوده که در سخنانی فوق‌العاده خصومت‌آمیز علیه ایران، نظرات ولیعهد جوان سعودی را ارائه کند و به طرف آمریکایی بفهماند که متحدان عرب آمریکا در قایق تل‌آویو نشسته‌اند.

۶- در گذشته آمریکا حملات نظامی به کشورهای منطقه را مستقیماً انجام می‌داد مانند حمله به افغانستان و عراق. اما استراتژی جدید واشنگتن این است که حمله نظامی را خود متحاندانش انجام دهند و آمریکا حمایت کند، خون و پول آمریکایی هزینه نشود یا با حداقل ممکن باشد و هزینه حمایت‌ها هم باید دریافت شود آن هم چند برابر.

نمونه آن را در جنگ علیه یمن مشاهده می‌کنیم. تل‌آویو هم سعی می‌کند مستقیماً وارد جنگ نشود. بنابراین ریاض با متحدان عرب خود باید مسئولیت هرگونه اقدام نظامی را بر عهده گرفته، از حمایت آمریکا و رژیم صهیونیستی بهره‌مند شوند؛ ضمن اینکه هزینه این حمایت‌ها را نیز بپردازد. بنابراین هر جنگی خلق شود، کشورهای اسلامی هزینه‌های مالی و جانی آن را خواهند داد.

۷- ترامپ پدیده‌ای است که نمونه آن را در تاریخ رؤسای جمهور آمریکا نمی‌توان یافت. شخصیتی کاملاً غیرقابل پیش‌بینی که روند تصمیم‌گیری‌هایش اکثر قریب‌به‌اتفاق سیاستمداران هر دو حزب آمریکا را به حدی آشفته و نگران کرده که سناتور باب کورکر، رئیس کمیته روابط خارجی مجلس سنا گفت سیاست‌های ترامپ می‌تواند آمریکا را در خطر سوق‌دادن به جنگ جهانی سوم قرار دهد. رتبه محبوبیت ترامپ در پایین‌ترین درجه در کل دوران ۷۰ ساله ریاست‌جمهوری آمریکا قرار دارد. بزرگان حزب جمهوری‌خواه در جلسات داخلی به این نتیجه رسیده‌اند که پدیده ترامپ، موجب شکست تاریخی آنها در انتخابات آتی کنگره آمریکا و ریاست‌جمهوری بعدی خواهد شد. درعین‌حال توجه به یک واقعیت مهم است که تاکنون عمده تصمیمات ترامپ در سیاست داخلی و خارجی جنجال‌برانگیز بوده به جز تحریم‌هایی که علیه ایران اعمال کرده است! در چنین اوضاع آشفته‌ای، جنگ تبلیغات، لابی‌گری‌ها و دیپلماسی عمومی برای پیشبرد سیاست‌های ضدایرانی در واشنگتن غوغا کرده و روند تصمیم‌گیری‌ها علیه ایران را به قدری تسهیل و تسریع کرده که باورکردنی نیست. جمع این هفت تحول با مطالبی که در مقاله مورخ ۱۳۹۶/۰۸/۱۷ در دنیای اقتصاد تحت عنوان «ضرورت توجه به تهدید مثلث» تشریح کردم، معنی و مفهوم خاصی را می‌رساند. امید است تصمیم‌گیرندگان و تصمیم‌سازان جمهوری اسلامی مدبرانه اوضاع را مدیریت کنند.

* پژوهشگر ارشد امور امنیت و هسته‌ای خاورمیانه در دانشگاه پرینستون آمریکا و دیپلمات سابق ایران

ارسال دیدگاه

نام:

ایمیل:

وب سایت:

دیدگاه شما:

ارسال دیدگاه

مجری: پیام‌رسان هزاره آریا

کلیه حقوق مادی و معنوی این وب سایت، متعلق به روزنامه «شرق» است.